

مقایسه خسرو و شیرین نظامی با منظومه عامیانه شیرین و فرهاد کردی مام احمد لطفی از منظر بن‌مایه‌های اسطوره‌ای

جبار نصیری^۱ اسحاق طغیانی^{۲*}

(دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۹ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۶)

چکیده

منظومه کردی شیرین و فرهاد به روایت مام احمد لطفی یکی از نظیره‌های است که به پیروی از خسرو و شیرین نظامی سروده شده است. این اثر به زبانی ساده و روان، روایتگر داستانی متفاوت درباره سرگذشت شیرین و فرهاد با ساختاری افسانه‌مانند است. در منظومه کردی جز نام شخصیت‌ها، سیر اصلی حوادث و چارچوب کلی داستان با روایت نظامی اختلاف دارد. داستان این منظومه بر پایه رده‌بندی محتوایی افسانه‌ها در زیرمجموعه افسانه‌هایی قرار می‌گیرد که در آن ازدهایی دختری را می‌رباید تا اینکه پهلوانی او را نجات می‌دهد. با وجود این، مطالعه تطبیقی دو منظومه از منظر بن‌مایه‌های اسطوره‌ای نشان‌دهنده زیرساخت و پی‌رنگ مشترک این آثار است؛ بدین ترتیب که خسرو (در خسرو و شیرین) و فرهاد (در منظومه کردی) مصداق خدای باروری شهیدشونده به‌شمار می‌آیند با این تفاوت که در منظومه کردی، فرهاد همانند سایر خدایان باروری، رستاخیز مجدد ندارد. شیرین در هر دو داستان، به روش‌های مختلف، نقش الهه باروری و عشق را ایفا می‌کند. چپستی، موضوع و کارکرد اسطوره باروری از نظر تاریخی نمایانگر دوره کشاورزی و از نظر فلسفی بیانگر رستاخیز انسان در جهان دیگر است.

واژه‌های کلیدی: شیرین، فرهاد، منظومه کردی، خسرو و شیرین نظامی، باروری.

۱. دانشجوی دکتری ادبیات حماسی دانشگاه اصفهان.

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).

۱. مقدمه

خسرو و شیرین نظامی یکی از آثار شاخص تاریخ ادب فارسی است که به استقبال از آن نظیره‌های فراوانی به زبان‌های فارسی، کردی، ترکی و ... سروده شده است. منظومه کردی شیرین و فرهاد به تدوین و گردآوری قادر فتاحی قاضی یکی از این آثار است که در آن روایت شفاهی یک بیت‌خوان کرد به نام مام احمد لطفی دربارهٔ بیت فرهاد و شیرین منتشر شده است.

در زبان کردی «بیت» به منظومه‌های عامیانه که توسط اشخاص ده‌نشین و بی‌سواد [بیت خوان] سروده شده، اطلاق می‌شود. این منظومه‌ها غالباً طولانی و مفصل هستند؛ زیرا موضوع آن‌ها اغلب وقایع تاریخی و اتفاقات مهمی است که در محل روی داده است (فتاحی قاضی، ۱۳۴۳: ۳۰۷).

بیت‌ها دارای وزن هجایی هستند و بیت‌خوانان آن‌ها را با آواز خوش و صدای بلند همراه با صدای ساز یا به شکل آمیزه‌ای از آواز و گفتار عادی اجرا می‌کردند. «بیت‌های کردی دارای مضامین غنایی و حماسی هستند که از لحاظ تعداد، غلبه با بیت‌های حماسی است» (افروزی، ۱۳۷۸: ۵۳۸).

از منظر مطالعات تطبیقی، داستان‌های ادبیات فارسی و کردی شباهت محتوایی بسیاری با یکدیگر دارند؛ اما به سبب متغیرهای دیگری چون زمان، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، تفاوت در شیوه‌های زیستن و جغرافیای فرهنگی، اختلافاتی در آن‌ها دیده می‌شود (خانیانی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). داستان شیرین و فرهاد که از قدیم در زبان کردی رایج بوده و چندین بار به صورت مکتوب گزارش شده است (صالحی و پارسا، ۱۳۸۷: ۱۳۰)، به سبب تمایزات بنیادی از نظر فرم و محتوا زمینه‌های لازم را جهت مقایسه با منظومه خسرو و شیرین نظامی دارد؛ به ویژه به علت وجود موتیف‌ها و عناصری همچون خشکسالی و بی‌آبی، قهرمان رهابخش، ازدواج با دختر یا همسر پادشاه (در قبال پیروزی و رهایی آب‌ها)، مبارزه با اژدها (به صورت مجازی و در قالب کوه‌کنی)، رویدن درخت انار از چوب تیشه، ساختن دسته کلنگ از پوست گاوان هفت‌ساله، اشاره به پدیده‌های چون درخت، چشمه، شیر، درون‌مایه اصلی عشق و همچنین پیشه کشاورزی و دامداری مردمان کرد، به نظر می‌رسد که این دو منظومه در زیرساخت روایتگر باورهای اسطوره‌ای و به ویژه بیان‌کننده اسطوره عشق ایزدبانوی آب به خدای

مقایسه خسرو و شیرین نظامی با منظومه عامیانه... جبار نصیری و همکار

باروری باشند. به همین سبب، هدف نوشتار حاضر تحلیل و مقایسه اسطوره‌ای این دو منظومه با محوریت پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

۱. زیرساخت و پی‌رنگ منظومه‌های خسرو و شیرین نظامی و شیرین و فرهاد کردی روایتگر چه اسطوره‌ای است؟

۲. اسطوره باروری چگونه در منظومه‌های خسرو و شیرین و شیرین و فرهاد تجلی یافته است؟

۲. اهداف، روش و ضرورت تحقیق

در حوزه ادبیات تطبیقی، مقایسه و تحلیل متون اقوام مختلف، نقش اساسی در غنی‌سازی و باروری ادبیات و آشنایی با فرهنگ، ادبیات و اندیشه دیگر ملت‌ها، کاهش تعصبات قومی، پی‌بردن به نقاط ضعف ادبیات داخلی و برقراری تعامل فکری و ادبی با سایر ملت‌های جهان در چارچوب ادبیات دارد (عبدالله‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۲). دو منظومه عاشقانه خسرو و شیرین فارسی و شیرین و فرهاد کردی از جمله آثاری هستند که به‌علت غنای ساختاری و محتوایی ارزش مطالعه تطبیقی را دارند. هدف ما در این مقاله مقایسه تطبیقی این دو منظومه از نظر محتوا و زیرساخت اسطوره‌ای است. روش تحقیق در این نوشتار توصیفی - تحلیلی است و بر اساس یادداشت‌برداری و نقل قول از منابع مکتوب کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

۳. پیشینه تحقیق

در زمینه مقایسه منظومه خسرو و شیرین نظامی با نظیره‌ها، ترجمه‌ها و روایت‌های عامیانه آن در زبان کردی، تحقیقات اندکی انجام گرفته است. ژیللا صالحی و سید احمد پارسا (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به بررسی افتراقات و اشتراکات منظومه خسرو و شیرین با منظومه کردی شیرین و فرهاد الماس خان کندوله‌ای پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که این دو اثر با وجود شباهت‌های فراوان، دو منظومه متمایز و مجزا هستند. هادی یوسفی و فرهاد حمیدی (۱۳۹۳) نیز در مقاله با عنوان «تطبیق دو منظومه غنایی فارسی و کردی، مطالعه موردی: خسرو و شیرین نظامی و خسرو و شیرین خانای قبادی» بعد

از ذکر افتراقات و اشتراکات دو اثر بیان می‌کنند که خانای قبادی داستان را به سمت وسوی واقع‌گرایی هدایت کرده و علاوه بر تغییر محتوایی، آداب و رسوم و مؤلفه‌های فرهنگی مربوط به زمان و محل زندگی خود را در روایت گنجانده است.

سهراب‌نژاد (۱۳۸۸) در رساله دکتری خویش با عنوان بررسی تطبیقی خسرو و شیرین نظامی با منظومه‌های غنایی کردی جنوبی به مقایسه محتوایی و صوری خسرو و شیرین نظامی با سه منظومه کردی شیرین و فرهاد الماس خان کندوله‌ای، شیرین و فرهاد میرزا شفیع پاهای و شیرین و خسرو خانای قبادی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که دو منظومه شیرین و فرهاد کندوله‌ای و پاهای ضمن اثرپذیری از اثر نظامی به دلیل برخی نوآوری‌های ادبی و داستانی روایتی واحد هستند که با خسرو و شیرین نظامی تفاوت بسیار دارد. سهراب‌نژاد خاستگاه و منشأ این روایت را برآمده از فولکلور یا ادب عامیانه کردی و برخی نوآوری‌های فردی شاعرانه می‌داند؛ در حالی که اثر خانای قبادی علی‌رغم برخی نوآوری‌ها، نزدیک‌ترین اثر به کار نظامی و ترجمه‌ای موفق به زبان کردی از خسرو و شیرین به‌شمار می‌آید. وی در این رساله همانند سید احمد پارسا و هادی یوسفی صرفاً به ذکر شباهت‌ها و تفاوت‌های صوری و محتوایی پرداخته است و هیچ‌گونه تحلیل اسطوره‌شناسی از این روایت‌ها به دست نمی‌دهد (همچنین ر.ک: سهراب‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۷-۹۰).

به سبب همسانی روایت ناقص میرزا شفیع با روایت مام احمد و منطقی‌تر بودن روابط علی و معلولی و سیر دقیق ترتیب حوادث در روایت مام احمد لطفی نسبت به نسخه الماس خان کندوله‌ای و همچنین مستعد بودن روایت مام احمد لطفی برای نقد اسطوره‌ای نسخه شیرین و فرهاد، روایت او به عنوان پیکره مطالعاتی این نوشتار انتخاب شده است. برای آشکار شدن منطقی‌تر بودن روابط علی و معلولی در روایت لطفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: در روایت او پیرزن مکار، خاله گرا (عاشق دیرینه شیرین) است که با انگیزه انتقام خون خواهرزاده‌اش به خسرو در کشتن فرهاد یاری می‌رساند. شیرین نیز با انگیزه انتقام گرفتن از خسرو، پیشنهاد شیرویه برای ازدواج را به شرط کشتن خسرو می‌پذیرد. همچنین ازدواج اجباری، نفرین پیامبر و وعده خسرو

مقایسه خسرو و شیرین نظامی با منظومه عامیانه... جبار نصیری و همکار

(مبنی بر بخشیدن شیرین به انتقال‌دهنده آب) به عنوان علل توجه شیرین متأهل به فرهاد ذکر می‌شود.

۴. نقد اسطوره‌ای

نقد و رویکردهای نقد، موجب پیشرفت ادبیات و هنر و به‌طور کلی فرهنگ هر جامعه‌ای می‌شود. اسطوره‌شناسی به عنوان یکی از رویکردهای نقد ادبی بر عنصر اسطوره در متون ادبی تأکید دارد. از نظر اسطوره‌پژوهان در حوزه ادبیات و هنر، عنصر اساسی و کانونی‌بخش گسترده‌ای از آثار، با اسطوره مرتبط است. طبق این دیدگاه، شناخت اسطوره‌ای هر اثر، شناخت کانونی و مرکزی آن است و با رمزگشایی از این عنصر، مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش هر اثر رمزگشایی می‌شود. به نظر این پژوهشگران، اسطوره سبب دگردیسی متنی معمولی به یک اثر ماندگار و پیوسته با دیگر آثار می‌شود و به آن بُعد جهانی و جاودانگی می‌بخشد.

در حوزه پژوهش اسطوره، سه‌گانه مهمی وجود دارد که عبارت‌اند از: موضوع، رویکرد و دانش. به این معنی که اسطوره گاه موضوع تحقیق، گاه رویکردی برای مطالعه و گاهی نیز دانشی از دانش‌های علوم انسانی است (نامورمطلق، ۱۳۹۲: ۴۱). در نوشتار حاضر با اتخاذ نقد اسطوره‌ای به عنوان رویکردی برای مطالعه، به تحلیل و مقایسه منظومه خسرو و شیرین نظامی با منظومه کردی شیرین و فرهاد می‌پردازیم.

۴-۱. گزارش منظومه شیرین و فرهاد کردی

پایتخت خسرو پرویز در کرمانشاه است. او دخترعمویی بی‌همتا به نام شیرین دارد که بعد از مرگ پدر در ارمن جانشین او می‌شود. خسرو بعد از مدتی به دیدار شیرین می‌رود و عاشق او می‌شود. شیرین ابتدا جواب منفی؛ اما بعد از تلاش و کوشش بسیار خسرو با او ازدواج می‌کند. حضرت محمد (ص) نامه‌ای به خسرو پرویز می‌فرستد؛ اما او نامه را پاره می‌کند و فرستادگان را با ناکامی برمی‌گرداند. پیامبر در واکنش به این مسئله بیان می‌کند که خسرو با این کار شکم خود را درید و از نعمت دنیا و آخرت محروم کرد. بعد از این جریان، شیرین در نظر خسرو زشت و نفرت‌انگیز می‌شود و با وجود

بی‌تابی و اشتیاق دیدن او، در هنگام دیدار، شیرین به چشم خسرو دیو و دد می‌نماید. از سوی دیگر، کرمانشاه دچار بی‌آبی و خشکسالی می‌شود. زندیق، وزیر خسرو، راه چاره را بخشیدن شیرین به فردی می‌داند که بتواند بیستون را سوراخ کند و از آن طریق آب را به کرمانشاه بیاورد. خسرو عکس شیرین را به شاپور عیار می‌سپارد تا در عالم کسی را بیابد که بتواند بیستون را سوراخ کند. بعد از پانزده ماه سرانجام شاپور عکس شیرین را به فرهاد، شاهزاده چینی، نشان می‌دهد. فرهاد عاشق شیرین می‌شود و همراه با او جهت سوراخ کردن بیستون به سمت کرمانشاه رهسپار می‌شود.

شخصی صاحب مال و مکتب به نام گرا که از کودکی عاشق شیرین است بعد از بی‌تابی‌های فراوان به پیشنهاد خاله‌اش به بهانه مسافرت و دیدار شیرین از خسرو پرویز اجازه می‌خواهد که آن‌ها را به کرمانشاه راه دهد. بعد از موافقت خسرو پرویز، گرا همراه با خاله و خدم و حشم به کرمانشاه می‌آید و در کنار بیستون بارگاه خود را بر پا می‌کند. شیرین بعد از مدتی مشتاق دیدار فرهاد می‌شود؛ اما خسرو پرویز اجازه بازدید از بیستون و فرهاد را به او نمی‌دهد. شیرین به همراه یکی از ندیمه‌هایش با راضی کردن مهتر شب‌دیز، شبانه و با دور زدن اردوگاه گرا به بیستون می‌رود. فرهاد بی‌خبر از ورود شیرین در حال کوه‌کنی است. در اثنای کار قطعه سنگی از تیشه می‌جهد و پای شب‌دیز را می‌شکند. سرانجام فرهاد از وجود شیرین با خبر می‌شود و آن دو همدیگر را دیدار می‌کنند. فرهاد بعد از دیدار، شیرین و ندیمه را سوار شب‌دیز می‌کند و با نهادن شب‌دیز بر روی شانه به سوی کرمانشاه رهسپار می‌شود. در میانه راه کرمانشاه، گرا قصد ربودن شیرین را دارد که فرهاد او را با کوبیدن به صخره می‌کشد. فرهاد صبح هنگام آن‌ها را به کرمانشاه می‌رساند و با انداختن سقف اصطبل بر روی پای شب‌دیز به بیستون برمی‌گردد. خسرو به محض مطلع شدن از این حادثه و دیدن زخم شب‌دیز پی می‌برد که شکستگی پای او از سنگ است؛ اما شیرین انکار می‌کند. خسرو نیز به ناچار و به سبب ترس از آبروریزی سکوت می‌کند.

بعد از ماجرای دیدار شیرین و فرهاد، آب به سوی کرمانشاه روان می‌شود؛ اما خسرو از دادن شیرین به فرهاد امتناع می‌کند و به فکر خلاص شدن از دست او می‌افتد. خاله پیر گرا نیز از مرگ خواهرزاده خود، آگاه می‌شود و در پی انتقام برمی‌آید.

مقایسه خسرو و شیرین نظامی با منظومه عامیانه... جبار نصیری و همکار

وزیران چاره کار را دوری بچه شیرخوار، بره و گوساله از مادرانشان و رهایی آنها بعد از سه روز همراه با صدای دایره و موسیقی می‌دانند. در روز سوم هم‌زمان با صدای آشوب و غوغا در شهر کرمانشاه، خاله زنگی گرا به دستور خسرو برای انتقام‌جویی به نزد فرهاد می‌رود و خبر دروغین مرگ شیرین را به او می‌دهد.

فرهاد بر اثر خشم و ناخوشایندی خبر مرگ شیرین، همانند گرا او را به صخره می‌کوبد و می‌کشد. در این حین کاروانی از راه می‌رسد و فرهاد مایه و صحت خبر مرگ شیرین را از کاروان‌سالار می‌پرسد؛ اما به دلیل فاصله مکانی اظهار بی‌اطلاعی او را اشتباه متوجه می‌شود و گمان می‌کند شیرین مرده است. به همین سبب کلنگ را به هوا پرتاب می‌کند و سرش را در مسیر آن می‌گیرد. خبر خودزنی فرهاد به خسرو می‌رسد و بنا به دستور او پیکر زخمی‌اش را به شهر می‌برند. فرهاد زمانی که می‌فهمد شیرین زنده است از شاه می‌خواهد که اجازه دهد شیرین کلنگ را از سرش بیرون بکشد. خسرو تا سه روز اجازه چنین کاری را نمی‌دهد تا اینکه به شفاعت نیک‌مردان، شیرین کلنگ را از سر او بیرون می‌کشد و آنگاه فرهاد جان می‌سپارد.

در جریان بردن جنازه فرهاد به گورستان، شیرویه، پسر خسرو پرویز - که در باطن خواهان شیرین است - به شیرین پیشنهاد کشتن پدر و گرفتن انتقام فرهاد را در صورت ازدواج با او می‌دهد. شیرین می‌پذیرد و شیرویه شبانه خسرو را در خواب می‌کشد و با شیرین ازدواج می‌کند. بعد از این اتفاق روزی شیرین با اجازه شیرویه به زیارت قبر فرهاد می‌رود. در قبرستان شیرین از فرصت استفاده می‌کند و به دور از چشم همراهان و محافظان با کاردی خود را بر مزار فرهاد می‌کشد. خبر این رخداد به شیرویه می‌رسد. او از شدت ناراحتی در حالی که خربزه می‌خورد، چاقو را قورت می‌دهد و می‌میرد.

۵. وجوه اشتراک و افتراق روایت فارسی و کردی

از گزارش دو روایت به‌روشنی مشخص است که منظومه کردی شیرین و فرهاد به روایت مام احمد لطفی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با منظومه خسرو و شیرین نظامی دارد. این وجوه اشتراک و افتراق را از منظر ویژگی‌های روایی و محتوایی به‌صورت زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

- خلاف ازدواج دیرهنگام و بیگانگی شیرین و خسرو در منظومه نظامی، شیرین و خسرو در منظومه کردی دخترعمو پسرعمو هستند و در آغاز داستان با هم ازدواج می‌کنند.
- شاپور، ندیم خسرو (در روایت نظامی) در منظومه کردی عیاری است که طبق دستور خسرو به دنبال پیدا کردن فردی جهت سوراخ کردن کوه بیستون و آب‌رسانی به شهر کرمانشاه است.
- منظومه کردی فاقد ماجرای شکر اصفهانی و ناز و عتاب‌های خسرو و شیرین بعد از مرگ فرهاد است.
- قهرمان منظومه نظامی، شیرین، اما قهرمان روایت کردی، فرهاد است.
- مثلث عشقی در منظومه کردی میان خسرو، به‌عنوان شوهر، با فرهاد، به‌عنوان عاشق شیرین، شکل می‌گیرد؛ به عبارت دیگر فرهاد و خسرو دیگر رقیب یکدیگر نیستند.
- عنصر زمان در هر دو داستان مانند سایر داستان‌های سنتی خطی و مستقیم است.
- زاویه دید در هر دو روایت سوم شخص و دانای کل است.

۶. نقد اسطوره‌ای منظومه خسرو و شیرین و شیرین و فرهاد

نظامی، خسرو و شیرین را با استناد و استفاده از منابع تاریخی، نسخه عامیانه مؤلفان بردعی و ابتکارات فردی سروده است. در این منظومه، نظامی با برجسته کردن عشق خسرو به شیرین، رابطه فرهاد و شیرین را با کنش‌های خنثا و عشوه‌گرایانه شیرین، یک‌طرفه [از جانب فرهاد] و صرفاً برابرنهادی برای انتقام گرفتن از عشق‌ورزی خسرو به مریم از جانب شیرین معرفی می‌کند؛ در حالی که در منظومه کردی ماجرای اصلی بیان کم و کیف عشق فرهاد به شیرین است؛ به عبارت دیگر، نظامی عشق‌ورزی فرهاد و شیرویه را به شیرین به‌ترتیب ناروا و ممنوع و متقابلاً عشق‌ورزی خسرو به مریم و شکر را به‌ترتیب از سر مصلحت و هوس می‌داند و درمجموع برای آن دو بهترین نوع ارتباط را رابطه زناشویی عاشقانه مقید به هنجارهای اخلاقی معرفی می‌کند. نظامی با اعمال این دیدگاه، شیرین را خلاف روایت شاهنامه در قتل مریم (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۶۹/۸-۲۷۰) و کنیز بودن شیرین به گزارش تاریخ بلعمی (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۰۹۱)، زنی اخلاق‌مدار،

مقایسه خسرو و شیرین نظامی با منظومه عامیانه... جبار نصیری و همکار

مرفه، از تبار شاهان، سخت پایبند و دوشیزه معرفی می‌کند که در هر حالت تابع آیین‌های نکاح جامعه است و تا ازدواج رسمی، تن به هیچ آمیزشی نمی‌دهد. سه الگوی ارائه‌شده از روابط زن و مرد در خسرو و شیرین را می‌توان در جدول ۱ نشان داد.

جدول ۱: انواع عشق در خسرو و شیرین نظامی

عشق روا	عشق ناروا	عشق ممنوعه
خسرو	خسرو	خسرو
مریم	فرهاد	شیرویه
شیرین	شیرین	شیرین

در روایت شیرین و فرهاد کردی برعکس روایت نظامی از شخصیت و کنش‌های واقعی و تاریخی نشانی دیده نمی‌شود. همچنین خبری از ماجراهای عشق‌بازی خسرو با شکر اصفهانی و ازدواج با مریم نیست و تنها به کوشش جان‌فرسای فرهاد جهت رسیدن به شیرین، یعنی عشق ناروای منظومه خسرو و شیرین بسنده شده است. شیرین در این منظومه دخترعموی خسروپرویز و شاهزاده ارمن است که بعد از مرگ پدر جانشین او می‌شود. فرهاد نیز، خلاف منظومه نظامی، مهندسی سنگ‌تراش از سرزمین چین نیست؛ بلکه پسر خاقان چین است که به عشق شیرین دست به سنگ‌تراشی می‌زند. در این منظومه، خسرو و فرهاد رقیب دیگری به اسم گرا دارند که به امید دزدیدن شیرین به همراه خاله پیرش از افغانستان راهی کرمانشاه می‌شود و سرانجام به دست فرهاد کشته می‌شود. بعداً همین پیرزن خبر دروغین مرگ شیرین را برای فرهاد به قصد انتقام می‌برد. در انتهای داستان، شیرویه برای جلب رضایت شیرین، به دست خویشپدرش را در بستر می‌کشد و خود نیز با شنیدن خبر خودکشی شیرین از فرط دستپاچگی و ناراحتی در حین خوردن خربزه ناآگاهانه چاقو را قورت می‌دهد و می‌میرد. به سبب هویت تاریخی برخی از شخصیت‌های داستانی به نظر می‌رسد که داستان این منظومه‌ها در واقعیت تاریخی ریشه داشته باشد؛ اما با توجه به تناقضات و اختلافات این متون با منابع تاریخی و ادبی^۱ در کل می‌توان گفت که خسرو و شیرین نظامی به سبب اشارات تاریخی چون تنبیه کردن خسرو به سبب تباه کردن کشتزار (طبری، ۱۳۷۵: ۷۲۳)، ماجرای بهرام چوبین (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۳۹؛ طبری، ۱۳۷۵: ۷۲۶-۷۲۸)، رفتن به روم

و ازدواج با مریم (بلعی، ۱۳۵۳: ۷۲۸) و محل فرمانروایی خسرو در مداین صبغه تاریخی دارد. همچنین شیرین و فرهاد به سبب عدم وجود اشارات تاریخی و ساختار، جنبه افسانه‌ای دارد.

طرح منظومه کردی شیرین و فرهاد از نظر ساختار و محتوا در موتیف جهانی نگاهیانی ازدها از آب، با چنین مضمونی ریشه دارد: سرزمینی به دلیل وجود موجودی فراطبیعی چون ازدها دچار خشکسالی می‌شود. زمانی که شاه و درباریان از دفع بلا ناتوان می‌شوند، فردی بیگانه به نبرد ازدها می‌رود و نابودش می‌کند و در نهایت با آزاد کردن آب‌ها، برکت و آبادانی را به شهر بازمی‌گرداند و با دختر پادشاه ازدواج می‌کند. به بیانی دیگر،

ازدهایی بر جهان حکمرانی می‌کند و خشکسالی همه‌جا را گرفته است. قهرمانی مقدس پدید می‌آید و با پیروزی بر ازدها باعث رهایی آب‌هایی می‌شود که ازدها در دژ فروگرفته بود و زنانی که ازدها در دژ و در بند داشت، به دست قهرمان می‌افتد. باران آغاز به باریدن و زمین را حاصلخیز می‌کند و خدای جوان به ازدواج با زنان آزاد شده می‌پردازد (ویدن گرن، ۱۳۷۷: ۷۵).

برای نمونه در قصه «ملک محمد و دیو یک لنگو» شخصیت اصلی افسانه با پشت سر گذاشتن خطراتی دختر پادشاه را از چنگال دیو غاصب نجات می‌دهد و با او ازدواج می‌کند (انجوی شیرازی، ۱۳۵۲: ۶۵-۷۸) یا در روایت ازدها کشتن ملک بهمن صاحبقران پسر فیروزشاه در «داستان فیروزشاه»، ملک بهمن با تحریک و تطمیع وزیر باسیدو، پادشاه هند، جهت به دست آوردن اسب ویژه، دختر وزیر و کسب شهرت به نبرد ازدهای غول‌پیکری می‌رود که آب‌ها را زهرآگین کرده و باعث نابودی روستاها و شهرها شده است (محجوب، ۱۳۷۰: ۲۸۷).

در دگردیسی‌های بعدی این موتیف، ازدها به دیوی تبدیل می‌شود که دختری را پنهانی با خود می‌برد و او را در جایی مخوف که اغلب چاهی عمیق و یا غاری تاریک است، پنهان می‌سازد. به دلیل عدم تمکین از دیو، دختر همچنان باکره می‌ماند تا اینکه پهلوان نژاده‌ای از راه دور می‌رسد. پهلوان به محض آگاه شدن از حقیقت امر، با وجود ممانعت ساکنان شهر، به جنگ ازدها/ دیو می‌رود و سرانجام با کشتن دیو یا ازدها و آزاد ساختن دوشیزه/ دوشیزگان از چنگ آن‌ها با یکی از دختران که اغلب او نیز

شاه‌دخت است، ازدواج می‌کند (غفوری، ۱۳۹۴: ۱۲۰). یکی از کهن‌ترین نمونه‌های اسطوره‌ای / افسانه‌ای موتیف دزدیدن دختری باکره توسط دیو، مربوط به ماجرای ربوده شدن پرسفونه توسط پلوتو در اساطیر یونان است. طبق این اسطوره، پلوتو^۲ خدای سرزمین مردگان با شکافتن زمین، پرسفونه جوان را که در حال چیدن گل است با خود به دوزخ و جهان تاریک زیرین می‌برد. دمتر، مادر او، با آگاهی از این ماجرا خشمگین می‌شود و زمین، گیاهان و سایر موجودات را از زایش و باروری باز می‌دارد. خدایان به دلیل نگرانی از نابودی انسان و جهان میانجی‌گری می‌کنند و درنهایت پرسفونه را، برای مدت مشخصی از سال، به زمین و جهان زیرین برمی‌گردانند (فریزر، ۱۳۸۳: ۴۵۳-۴۵۴). برخی از نمونه‌های شاخص این بن‌مایه در اساطیر و داستان‌های ایرانی، اسارت ارنواز و شهرنواز دختران جمشید به وسیله ضحاک و رهایی آن‌ها به دست فریدون و آزادی خواهران توسط اسفندیار در پایان هفت‌خان است.

داستان منظومه کردی *فرهاد و شیرین* به نحوی، نمایانگر این الگوی فراگیر و جهانی است به این صورت که فرهاد به‌عنوان پهلوانی بیگانه با دیدن عکس شیرین (معادل دختر پادشاه یا دختر ربوده‌شده) به واسطه پیک شاهی (شاپور) برای دستیابی به او از چین رهسپار ایران می‌شود تا از طریق کانال‌کشی در میان کوه بیستون، آب و به تبع آن، آبادانی را به کرمانشاه برگرداند.^۳ در این منظومه به‌سبب واقع‌گرایی و حضور اشخاص تاریخی از وجود دیو و اژدها در جریان حوادث خبری نیست و تنها به‌صورت مجازی به جای اژدها، به محل اختفای او در کوهستان (در قالب کوه بیستون) اشاره شده است. به گونه‌ای که فرهاد برای دستیابی به مقصود خویش با ساختن کلنگی جادویی و منحصربه‌فرد (همانند گرز گاو سار فریدون) به مبارزه کوه^۴ می‌رود.

پژوهشگران مبارزه با اژدها و آزاد کردن دختر و آب را در این افسانه‌ها یکی از جلوه‌های اسطوره باروری می‌دانند. اسطوره باروری یکی از الگوهای تکرارشونده و بنیادین در اساطیر جهان است که روایتگر داستان عشق ایزد بانوی آب (عشق و باروری) به خدای گیاهی و به دنبال آن، مرگ و نوزایی خدای گیاهی است. به نظر جرج فریزر، این الگوی مشترک که مظهر رویش هر ساله گیاهان در بهار، پژمردگی در

خشکسالی تابستان و رستاخیز هر ساله آن‌ها در نزد اقوام کشاورز است، به صور گوناگون در متون اسطوره‌ای و ادبی جلوه پیدا کرده است. به نظر او

همه ادیان در اصل، آیین‌های باروری بوده‌اند، متمرکز بر گرد پرستش و قربانی کردن ادواری فرمانروای مقدس که تجسد خدایی میرنده و زنده‌شونده، الوهیتی خورشیدی بود و به وصلتی رمزی با الهه زمین تن در می‌داد و هنگام خرمن می‌مرد و به وقت بهار تجسد دوباره می‌یافت. این افسانه عصاره تقریباً همه اساطیر عالم است (فریزر، ۱۳۸۴: ۷).

در آیین‌های مربوط به این موضوع یک شاه قربانی (فرهاد) می‌شود تا چرخه حیات دوباره از سرگرفته شود.

جرج فریزر بر اساس سرگذشت آتیس و سی بل، آفرودیت و آدونیس، دمتر و پرسفونه، ایشتار و تموز، ایزیس و ازیریس و ... الگوی جهانی این اسطوره را که در آن معشوق جوان یک الهه به دست رقیبی کشته می‌شود، این گونه روایت می‌کند: خدای باروری که به همراه همسرش در روی زمین سر می‌برد بر اثر یک حادثه به دست خدای رقیب و تباه‌کننده یا نیروی بیرونی می‌میرد و به جهان مردگان فرستاده می‌شود. به دنبال این حادثه معشوق یا همسر در جست‌وجوی او به سرای مردگان رهسپار می‌شود. در دنیای مردگان ابتدا ملکه جهان زیرین از بازگشت خدای باروری جلوگیری می‌کند؛ اما سرانجام با برگرداندن و بازگشت او موافقت می‌کند.

شخصیت‌های اسطوره‌ای یادشده، تجسم نیروی باروری به‌طور عام و رویش نباتی به‌طور خاص بوده‌اند؛ شخصیت‌هایی که نماینده و تجلی پدیده‌های طبیعی همچون تغییر فصل‌ها، به‌ویژه مؤثرترین و تکان‌دهنده‌ترین آن‌ها، یعنی پژمردن و از نو رویدن گیاهان بودند؛ به عبارتی دیگر، مردمان نخستین برای توجیه مرگ گیاهان در زمستان و باززایی آن‌ها در بهار چنین روایت‌هایی را ساخته بودند (خجسته، ۱۳۸۹: ۶). در کل، به نظر جرج فریزر، غرض از این اساطیر و آیین و مناسک همراه آن، تازه کردن و توانا کردن قوای فرومرده طبیعت از طریق جادوی همانندی بود تا درختان بارآورند و خوشه‌های غلات پر دانه شوند و انسان و حیوانات به تولیدمثل پردازند (فریزر، ۱۳۸۴: ۴۳۷). اعتقاد به ایزد گیاهی شهیدشونده و الهه باروری، آن‌گونه که در اساطیر بین‌النهرین و دیگر اقوام می‌بینیم، در اساطیر ایرانی با استقلال و به روشنی و با صراحت بیان نشده

است (خجسته، ۱۳۸۹: ۱۲) و بازمانده‌های باور به آن، فقط به صورت پراکنده در داستان‌ها و افسانه‌ها دیده می‌شود (بهار، ۱۳۷۸: ۴۴۹). با وجود این، می‌توان آناهیتا را به سبب صفاتی که دارد نماینده الهه باروری در اساطیر ایران به شمار آورد.

در منظومه خسرو و شیرین نظامی این طرح و پی‌رنگ با تغییرات جزئی نقل شده است. در این کتاب خسرو حکم الهه شهیدشونده را دارد که بر اثر دسیسه خدای تباہ‌کننده رقیب (بهرام چوبین) به شکل نمادین کشته و به سرزمین مردگان (روم) رانده می‌شود و در آنجا با ملکه جهان مردگان (مریم) ازدواج می‌کند. الهه این داستان (شیرین) به دنبال او به صورت نمادین به مداین می‌رود و با طی کردن ماجراهایی، سرانجام به وصال او می‌رسد.

همان‌گونه که از گزارش داستان مشخص است فرهاد در منظومه کردی خلاف خسرو در منظومه نظامی، نوزایی و تولد مجدد ندارد و در پایان داستان خلاف او و سایر قهرمانان داستان‌های مشابه، به صورت تراژیک، قربانی دسیسه و نیرنگ پادشاه می‌شود و همانند سیاوش^۵ ناجوانمردانه در غربت می‌میرد؛ به عبارت دیگر، در روایت داستانی - تاریخی نظامی، خسرو همانند سرگذشت شخصیت‌های اسطوره‌ای (آفرودیت، تموز و...) به صورت نمادین می‌میرد. مردن او در این داستان به شکل از دست دادن تاج و تخت (و عدم وصال شیرین به سبب فتنه بهرام چوبین) و رفتن به روم نشان داده شده است و در نهایت، رستاخیزش با برگشت به ایران و ازدواج با شیرین اتفاق می‌افتد. در روایت شیرین و فرهاد، اگرچه همانند روایت اسطوره باروری و ازدهاکشی، فرهاد می‌میرد؛ اما برای او رستاخیزی در نظر گرفته نشده است و همین امر به تراژیک شدن سرنوشت او به دلیل عدم نوزایی و وصال با الهه باروری منجر شده است.

از شواهد دیگر این متن که مؤید اسطوره باروری است، ازدواج تحمیلی شیرین با خسرو و اقامت اسارت‌گونه او در قصر برای مدت هفت سال است که تداعی گر ربایش شاهزاده توسط دیو و اسارت او در خانه و مکان زندگی دیو است. هفت سال خشکسالی شهر کرمانشاه مترادف هفت سال خشکسالی مصر در قصه یوسف (ع)^۶ است. ماجرای یوسف و زلیخا یکی از مشهورترین الگوهای اسطوره باروری در اساطیر جهان

است که شخصیت‌ها چندین بار از زبان خویش و راوی به آن تشبیه می‌شوند (فتاحی قاضی، ۱۳۸۴: ۳۰، ۳۶).

الهه باروری در همه داستان‌های اساطیری با آب و چشمه مرتبط است و به‌عنوان الهه باکره معرفی می‌شود. شیرین نیز دختر باکره‌ای است که در هر دو منظومه غیرمستقیم با آب در ارتباط است. در منظومه کردی دیدار او با فرهاد مترادف با جاری شدن آب است (فتاحی قاضی، ۱۳۸۴: ۱۲۲). در منظومه خسرو و شیرین نیز، شیرین در کنار چشمه آب برای نخستین بار خسرو را می‌بیند. پژوهشگران شیرین را مظهري از آناهیتا (الهه باروری و آب ایران باستان) می‌دانند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۸-۱۲۵). ازجمله ویژگی‌های مشترک شیرین با این الهه باستان، بکارت و پاک‌دامنی و علاقه به شیر است. در *اوستا* صراحتاً به این صفات آناهیتا اشاره شده است (یشت‌ها، ۱۳۴۷: ۲۳۳-۲۳۵). در منظومه نظامی بهانه آشنایی شیرین و فرهاد، علاقه مفرط شیرین و پرستارانش به شیر و دشواری دسترسی به آن در کوهستان است، به نحوی که فرهاد برای کندن جویی جهت انتقال شیر فراخوانده می‌شود (نظامی، ۱۳۸۳: ۲۰۴-۲۰۶). در هر دو منظومه، شیرین به ناهید (نام دیگر آناهیتا) و آب (مظهر الهه باروری) تشبیه می‌شود (نظامی، ۱۳۸۳: ۲۷۲). در منظومه کردی نیز شیرین خود را زهره و فرهاد را مشتری می‌خواند. زهره نام دیگر ناهید یا آناهیتا، ایزدبانوی آب‌هاست (یاحقی، ۱۳۶۹: ۲۳۲). البته این تشبیه هم‌زمان به بیت عاشقانه زهره و مشتری در ادبیات کردی نیز اشاره دارد (فتاحی قاضی، ۱۳۸۴: ۶۹).

در اساطیر، خدایان معروف به خدایان باروری (نباتی) غالباً به شکل درخت توصیف می‌شوند؛ زیرا در میان جامعه کشاورزی درخت یکی از مهم‌ترین الگوهای باروری و زندگی مجدد قلمداد می‌شد (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۲۲-۲۳). در اسطوره یونانی آدونیس و آفرودیت، آدونیس از درختی زاده می‌شود. در اساطیر مصر ازیریس (خدای باروری مصر) بعد از مرگ در درختی مدفون می‌شود. آتیس (خدای باروری فریگیه) هنگامی که می‌میرد از خون او گل بنفشه و به روایتی درخت کاج می‌روید (رضایی دشت ارژنه، ۱۳۸۹: ۵۰). در منظومه خسرو و شیرین زمانی که فرهاد می‌میرد و به خاک سپرده می‌شود به درخت اناری (نماد فراوانی و برکت) اشاره می‌شود که بعد از مرگ او از دسته چوبی کلنگ و تیشه‌اش می‌روید (نظامی، ۱۳۸۳: ۲۲۵). نظامی به‌صراحت اشاره

می‌کند در دفتری که منبع او بوده چنین نقلی را دیده و خود به‌عینه آن را مشاهده نکرده است.^۶ همین مسئله روشن می‌کند که این اثر شاکله اسطوره‌ای و بسیار کهن داشته است که به‌مرور در جریان باز روایت‌های سینه به سینه و جدید، تغییر شکل داده است. گفتنی است که طوسی (۱۳۸۲: ۳۴۱) نیز در کتاب *عجایب المخلوقات* به رویش درخت انار از کلنگ فرهاد اشاره کرده است.

در منظومه کردی شیرین و فرهاد بعد از ناتوانی استادان در ساختن کلنگ، فرهاد شخصاً اقدام به ساختن کلنگ می‌کند. طبق گفته فرهاد یکی از وسایل لازم برای ساختن کلنگ تهیه پوست دو گاو هفت‌ساله است. گاو از جمله حیواناتی است که به‌عنوان موجودی مقدس به‌عنوان رمز تجدید نیروهای حیات و حاصلخیزی در اساطیر و افسانه‌های مصر، خاورمیانه، شرق مدیترانه، هندوستان، یونان، روم و ایران به‌کار رفته است و برای مادر - الهه به‌عنوان منبع باروری و حیات قربانی می‌شد (هال، ۱۳۸۰: ۸۵). برای مثال گاو برمایه در داستان فریدون، هفت گاو چاق و هفت گاو لاغر در داستان حضرت یوسف^(ع) و گاو یکتاآفریده و کیومرث در بندهش^۷ (نک: ۱۳۹۰: ۶۵-۶۶). سرکاراتی در چارچوب اساطیر زرتشتی، پهلوان چنین افسانه‌هایی را مظهر کیومرث و گاو را نماینده گاو نخستین در اسطوره آفرینش (منقول در بندهش) می‌داند و معتقد است چون اهریمن در ابتدا آن دو را (کیومرث و گاو) با هم از بین برده است، بنابراین برای انتقام، پهلوان و گاو (نمایندگان کیومرث و گاو یکتاآفریده) باید در کنار هم اژدها (نماینده اهریمن) را نابود کنند (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۲۴۵-۲۴۶). از این منظر، فرهاد در منظومه حکم پهلوانی را دارد که با کلنگش - که در ساخت آن پوست گاو و ویژه‌ای نقش داشته‌اند (فتاحی قاضی، ۱۳۸۴: ۳۲) - به‌صورت مجازی به جنگ کوه (مأمّن اژدها) می‌رود.

در بیت مام احمد به‌دلیل واقع‌نمایی و دگردیسی اسطوره به افسانه با سازوکار جابه‌جایی و مجاورت خلاف روایت‌های اساطیری مشابه، کشتن اژدها به کندن کوه تغییر یافته است. به بیان دیگر، قصد نهایی فرهاد از کندن کوه ایجاد کانالی برای انتقال آب است؛ کانالی که از نظر بصری و به‌ویژه طولی تداعی‌کننده مار و اژدهاست. طبق باورهای کهن رودخانه‌ها مانند مار هستند و مانند اژدها ویرانگرند. به همین سبب انسان

به رام کردن آب آن‌ها اقدام می‌کرد. انجام این عمل در اساطیر بر عهده خدایان و در حماسه‌ها و افسانه‌ها بر عهده پهلوانان بود (بهار، ۱۳۸۱: ۳۱۰-۳۱۲). فرهاد نیز در این روایت همانند سایر پهلوانان با کلنگ صد منی‌اش به دل کوه می‌زند و آب را رام و به سمت کرمانشاه جاری می‌کند. گفتنی است که در شاهنامه و متون حماسی به کرات کوه به عنوان مکان و لانه اژدها معرفی شده است. برای مثال رستم در هفت خان، دیو سپید^۸ را بعد از پشت سر گذاشتن هفت کوه در غارش می‌کشد (فردوسی، ۱۳۶۹: ۴۱/۲) یا کشتن اژدهای کوه سقیلا توسط گشتاسب که ثمره آن ازدواج باجناب گشتاسب با دختر دیگر قیصر روم است (همو، ۱۳۷۵: ۴۲-۴۳/۵). همچنین کشتن اژدهای کوه شکاوند توسط گرشاسب در چهارده سالگی که در کوهی سنگی جای دارد (اسدی توسی، ۱۳۵۴: ۵۸-۶۱). در هفت پیکر نظامی نیز بهرام گور اژدهای خفته بر گنج را در غارش و در دل کوه می‌کشد.

۷. نتیجه

با توجه به تناقضات و اختلافات دو منظومه فارسی و کردی با منابع تاریخی و ادبی می‌توان بیان کرد که خسرو و شیرین نظامی رنگ و بوی تاریخی و شیرین و فرهاد کردی جنبه افسانه‌ای دارد. در مقایسه با اثر نظامی طرح افسانه‌مانند منظومه کردی از نظر ساختار و محتوا در موتیف جهانی نگهبانی اژدها از آب ریشه دارد. عناصر این موتیف و بن‌مایه به سبب واقع‌گرایی و حضور اشخاص تاریخی منظومه کردی به صورت نمادین و مجازی تجلی پیدا کرده است. در اساطیر جهان، بن‌مایه مبارزه با اژدها و آزاد کردن دختر و آب از جلوه‌های اسطوره باروری است که روایتگر داستان عشق ایزدبانوی آب (عشق و باروری) به خدای گیاهی و به دنبال آن، مرگ و نوزایی خدای گیاهی است. از این منظر خسرو و فرهاد مصداق دو خدای میرنده و زنده‌شونده گیاهی هستند که در دو ماجرای مختلف درگیر عشق الهه باروری (شیرین) می‌شوند. جدا از زیرساخت و پی‌رنگ دو منظومه شواهدی چون ارتباط شخصیت‌های داستان با آب، چشمه، درخت و شیر (نمادهای حاصلخیزی و باروری) و اشاره به گاو (نماد حاصلخیزی و حیات) و تشبیه قهرمانان به زهره (الهه باروری ایران باستان) ... مؤید

چنین خوانشی است. به همین سبب، می‌توان گفت که منظومه‌های مذکور در یکی از لایه‌های معنایی بیانگر داستان عشق ایزدبانوی آب (عشق و باروری) به خدای گیاهی در باور مردمان کهن هستند که به مرور زمان با تغییر اعتقادات ضمن حفظ چارچوب اولیه، بار اعتقادی و آیینی آن‌ها فراموش و صرفاً به‌عنوان الگوی داستانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در *مجم‌التواریخ* (۱۳۱۸: ۷۹)، فرهاد سپهبدی است که عاشق شیرین می‌شود و به دستور او برکیطوس پسر ستمار رومی در بیستون نقش‌ها را حجاری می‌کند. در *شاهنامه* و *تاریخ ثعالبی* شیرین فردی از طبقات پایین جامعه است که خسرو در دوران ولیعهدی از او کام گرفته بود (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۳۹-۴۴۰). در *ترجمه تاریخ طبری* شیرین کنیزی رومی است که خسرو به عقوبت مرگ او، فرهاد را به کندن کوه می‌فرستد (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱۰۹۱). در *تاریخ گزیده شیرین* دختر پادشاه ارمن، است که خسرو در جریان گریز از خشم پدر و پناه بردن به ارمن عاشق او می‌شود (مستوفی، ۱۳۳۹: ۱۲۱).
۲. پلوتو نام رومی هادس ایزد یونانی جهان زیرین است (جهت آگاهی بیشتر ر.ک: اسماعیل‌پورو سید نورانی، ۱۳۸۷: ۳۸-۴۴).
۳. در روایت‌های شیرین و *فرهاد الماس* خان کندوله‌ای و میرزا شفیع پناه‌ای همانند بیت مام احمد لطفی، خسرو وصال شیرین را موکول به جاری کردن آب از بیستون می‌کند (سهراب‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۱، ۱۲۶).
۴. اژدها اغلب در غارها و اعماق دریاها سکونت دارد؛ اما در افسانه‌ها عموماً نگهبان کاخی جادویی و یا مغاک‌ی زیرزمینی است که از گنج و خواسته انباشته است یا در قعر آن، چشمه‌ای اعجاز‌آمیز جاری است (لوفلر دلاشو، ۱۳۸۶: ۲۳۳). در این منظومه با توجه به کوه‌کنی و حفر کانال در دل کوه، می‌توان این‌گونه پنداشت که فرهاد به‌صورت نمادین به نبرد اژدها در دل غار می‌رود و آب چشمه جادویی را که اژدها مانع جاری شدن آن شده است، آزاد می‌کند.
۵. بنا به گفته بسیاری از پژوهشگران، سیاوش نمود خدای باروری است. کراسنولسکا سیاوش را صورتی از ایزد در باورهای زرتشتی می‌داند. در سنت‌های زرتشتی ریپه‌وین، ایزد تابستان، نیمروز و رویاننده محصول است و در طول سال هر هفت ماه تابستان فرمانروایی می‌کند و در آخرین روز مهرماه به زیرزمین می‌رود و دوباره از اول فروردین سر بر می‌آورد و جشن رستاخیز او با فرا رسیدن نوروز هم‌زمان می‌شود (کراسنولسکا، ۱۳۸۲: ۱۲۶-۱۲۸). ثمنی از نظر ریخت‌شناسی سودابه را نمود اینانا (الهه باروری) در اساطیر بین‌النهرین می‌داند که برای رهایی از مرگ سیاوش

(دموزی) را برای کوچ اجباری به جهان زیرین پیشنهاد می‌دهد. طبق این روایت دموزی (سیاوش) از دست مرگ (ایران) می‌گریزد؛ اما در نهایت توسط دیوان کشته و به جهان مرگ برده می‌شود (ثمینی، ۱۳۹۵: ۵۳). سر برآوردن گیاه از خون سیاوش، بروز هفت سال خشکسالی بعد از مرگ او و تولد مجددش در قالب شخصیت کیخسرو از جمله دلایل درون‌متنی است که با اتکا به آن‌ها می‌توان سیاوش را مظهر خدای باروری و حاصلخیزی دانست. در شاهنامه بعد از بریدن سر سیاوش، گروی زره تشت خون را برای آنکه نشانی از آن به جا نماند در زمینی خشک فرو ریخت. بعد از اندکی از محل خون فرو ریخته شده گیاهی به نام پرسیاوشان یا خون سیاوش روید (فردوسی، ۱۳۸۱: ۲۷۱).

۶. در روایت کردی شیرین و فرهاد میرزا شفیع پناه‌ای نیز بعد از مرگ فرهاد از دسته تیشه‌اش درخت اناری می‌روید (سهراب‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

۷. بعد از حمله اهریمن به آفرینش، کیومرث به عنوان نخستین انسان و گاو یکتا آفریده به عنوان نخستین حیوان کشته شدند و از پیکر کیومرث نخستین زوج انسانی (مشی و مشیانه) و از لاشه گاو یکتا آفریده به سبب سرشت گیاهی ۵۵ نوع غله و ۱۲ نوع گیاه درمانی و جفتی گاو نر و ماده و سایر چهارپایان به وجود آمدند (بندهش، ۱۳۹۰: ۶۵-۶۶).

۸. مهرداد بهار کشتن دیو سپید را معادل نبرد ایندرا برای آزادسازی ابرها و زنان از چنگ دیو خشکی و تاریکی یعنی همان اژدهای ورتره می‌داند (بهار، ۱۳۸۶: ۲۸).

منابع

- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۵۴). *گرشاسب‌نامه*. به اهتمام حبیب یغمایی. تهران: طهوری.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم و مهدیه سید نورانی (۱۳۸۷). «اسطوره دمتر- پرسفونه». *پژوهشنامه ادیان*. د ۲. ش ۲. صص ۳۳-۵۳.
- افروزی، بایز (۱۳۷۸). «ادبیات شفاهی کردستان: مروری بر بیت‌های کردی». *چیستا*. ش ۱۶۶ و ۱۶۷. صص ۵۳۷-۵۴۰.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۵۲). *قصه‌های ایرانی*. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- بلعمی، محمد بن محمد (۱۳۵۳). *تاریخ بلعمی*. به تصحیح محمدتقی بهار. به کوشش محمد پروین گنابادی. ج ۲. تهران: زوار.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۱). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: چشمه.
- _____ (۱۳۷۸). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: آگه.

مقایسه خسرو و شیرین نظامی با منظومه عامیانه... جبار نصیری و همکار

- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۳۶۸). تاریخ ثعالبی مشهور به غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم. ترجمه محمد فضائلی. تهران: نقره.
- ثمینی، نغمه (۱۳۹۵). تماشاخانه اساطیر، اسطوره و کهن نمونه در ادبیات نمایشی ایران. تهران: نی.
- خجسته، فرامرز (۱۳۸۹). «تحلیل داستان سیاوش بر بنیاد ژرف ساخت الهه باروری و ایزد گیاهی». تاریخ ادبیات. ش ۶۴. صص ۷۷-۹۶.
- خسروی، رکن الدین (۱۳۶۷). «از آدونیس تا سیاوش». چیستا. ش ۴۸ و ۴۹. صص ۷۶۷-۷۷۵.
- دادگی، فرنخ (۱۳۹۰). بندهش. گزارنده مهرداد بهار. تهران: توس.
- دوبوکور، مونیک (۱۳۷۳). رمزهای زنده جان. ترجمه جلال ستاری. تهران: مرکز.
- رضایی دشت ارژنه، محمود (۱۳۸۹). «بررسی تحلیلی - تطبیقی سیاوش، اوزیریس و آتیس». مطالعات ادبیات تطبیقی. ش ۱۳. صص ۴۵-۶۶.
- سام خانیانی، علی اکبر و ابراهیم محمدی (۱۳۹۰). «نقد تطبیقی ساختار روایی خسرو و شیرین نظامی و مثنوی پدومات». پژوهشنامه ادب غنایی. ش ۱۷. صص ۱۰۳-۱۳۰.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۸۵). سایه های شکارشده. تهران: طهوری.
- سهراب نژاد، علی حسن (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی خسرو و شیرین نظامی با منظومه های غنایی کردی جنوبی. رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- سهراب نژاد، علی حسن و همکاران (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی خسرو و شیرین نظامی با منظومه کردی شیرین و فرهاد الماس خان کندوله ای». دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. ش ۳. صص ۷۱-۹۴.
- صالحی، ژیل و سید احمد پارسا (۱۳۸۷). «مقایسه خسرو و شیرین نظامی با شیرین و فرهاد الماس خان کندوله ای». کاوش نامه. ش ۱۷. صص ۱۲۹-۱۵۲.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری. ج ۳. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- طوسی، محمد بن محمود (۱۳۸۲). عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- عبدالله زاده، ادریس (۱۳۸۸). «عشق و دلدادگی در خسرو و شیرین نظامی و مم و زین احمد خانی». کتاب ماه ادبیات. ش ۱۴۸. صص ۶۲-۶۷.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۷، شماره ۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸

- غفوری، رضا (۱۳۹۴). «نبرد قهرمان با اژدها در روایت ایران‌های حماسی». *ادب‌پژوهی*. ش ۳۴. صص ۹۹-۱۲۸.
- فتاحی قاضی، قادر (۱۳۴۳). «چند بیت کردی». *دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*. ش ۷۰. صص ۳۰۷-۳۲۰.
- _____ (۱۳۸۴). *منظومه کردی شیرین و فرهاد*. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۱). *شاهنامه براساس چاپ مسکو*. تهران: قطره.
- _____ (۱۳۶۹). *شاهنامه*. دفتر دوم. به کوشش جلال خالقی مطلق. امریکا: مزدا.
- _____ (۱۳۷۵). *شاهنامه*. دفتر پنجم. به کوشش جلال خالقی مطلق. امریکا: مزدا.
- _____ (۱۳۸۶). *شاهنامه*. دفتر هشتم. به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۴). *شناخه زرین*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
- کراسنولسکا، انا (۱۳۸۲). *چند چهره کلیدی در اساطیر گاه‌شماری ایرانی*. ترجمه ژاله متحدین. تهران: ورجاوند.
- لوفلر دلاشو، م. (۱۳۸۶). *زبان رمزی قصه‌های پریوار*. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- مجمل‌التواریخ و القصص (۱۳۱۸). به تصحیح ملک‌الشعرا بهار. تهران: خاور.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۷۰). «اژدها کشتن ملک بهمن صاحبقران پسر فیروزشاه و فصلی در توضیح و تحلیل اژدهای داستانی». *ایران‌شناسی*. ش ۱۰. صص ۲۸۶ - ۳۱۱.
- محمودی، محمدعلی و فرزاد شفیعی‌فر (۱۳۹۱). «حیات تاریخی ایزد بانوی آناهیتا در شیرین و شکر نظامی». *زبان و ادب فارسی*. س ۶۵. ش ۲۲۶. صص ۱۰۵-۱۲۸.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۳۹). *تاریخ گزیده*. به اهتمام عبدالحسین نوائی. تهران: امیرکبیر.
- نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۲). *درآمدی بر اسطوره‌شناسی*. تهران: سخن.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۳). *کلیات خمسه حکیم نظامی گنجوی*. تصحیح حسن وحید دستگردی. تهران: طلوع.
- ویدن گرن، گئو (۱۳۷۷). *دین‌های ایران*. ترجمه منوچهر فرهنگ. تهران: آگاهان ایده.
- هال، جیمز (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.

مقایسه خسرو و شیرین نظامی با منظومه عامیانه... _____ جبار نصیری و همکار

- یشتها (۱۳۴۷). گزارش ابراهیم پورداوود. تهران: طهوری.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۹). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران: سروش.
- یوسفی، هادی و فرهاد حمیدی (۱۳۹۳). «تطبیق دو منظومه غنایی فارسی و کردی، مطالعه موردی: خسرو و شیرین نظامی و خسرو و شیرین خانای قبادی». ادبیات تطبیقی. ش ۱. صص ۴۷-۶۱.

Comparison of Nezami's Kosrow & Shirin with folk Kurdish counterpart by Mam Ahmad Lotfi: A mythological approach

Jabar Nasiri¹ Ishaq Toqyani^{2*}

1. Phd candidate in epic literature / Isfahan university
2. Professor of Persian language and literature -Isfahan university

Received: 19/05/2018

Accepted: 25/02/2019

Abstract

Shirin and Farhad collection; the Kurdish version of Nezami's original work by Mam Ahmad Lotfi is one of the popular examples of this genre. This work has a simple and fluid language, which narrates the history of Shirin and Farhad with a legendary structure. In the Kurdish version, with the exception of the names of the characters, the main course of events and the general framework of the story are different. The story of this poem is based on the evaluation of the myth content of the subcategory of legends in which a dragon catches a girl until rescued by her hero. Nevertheless, the comparative study of both poems from the viewpoint of the mythological manifestations indicates the infrastructure and the common theme of these works. Thus, Khosrow (in Khosrow and Shirin) and Farhad (in the Kurdish version) are considered the martyred god of fertility, with the difference that in the Kurdish version, Farhad, like the other gods of fertility, has no resurrection. In both stories, Shirin plays the role of goddess of fertility and love in different ways. The subject and function of the myth of fertility historically represent the period of agriculture and philosophically reflect the resurrection of man in the other world.

Keywords: Shirin , Farhad , Kurdish Manzumah , Khosrow and Shirin, Fertility

*Corresponding Author's E-mail: e.toghyani@ltr.ui.ac.ir